

نگرشی بر سیزدهمین گردهمایی احزاب کمونیستی و کارگری در آتن



از سال ۱۹۹۸ بدینسو باز هم همه ساله گردهمایی احزاب کمونیستی و کارگری راه اندازی می شود که امسال یونان کشور میزبان بود.

این گردهمایی در تعمیر مرکزی حزب کمونیست یونان در شهر آتن از تاریخ ۹ الی ۱۱ دسامبر ۲۰۱۱ برگزار شد. ۷۸ حزب از ۵۹ کشور جهان نماینده های شان را اعزام کرده بودند.

در این گردهمایی احزاب و سازمانها از کشورهای زیر شرکت داشتند: البانیا، الجزایر، آسترلیا، آذربایجان، بنگلادیش (با دو حزب)، بلجیم، برازیل (با دو حزب)، انگلستان (با دو حزب)، بلغاریا، کانادا، خروات، کوبا، قبرس، جمهوری چک، دنمارک (با دو حزب)، مصر، فنلند، فرانسه، مقدونیه، گرجستان، آلمان، یونان، گیانا، هنگری، هندوستان (با دو حزب)، ایران، آیرلند (با دو حزب)، ایتالیا (با دو حزب)، اردن، جمهوری دموکراتیک مردم کوریا، لائوس، لیتوان، لبنان، لتوانیا، لوکزامبورگ، مالتا، مکسیکو، هالند، ناروی، پاکستان، فلسطین (با دو حزب)، پاراگوای، پیرو (با دو حزب)، پولند، پرتغال، رومانی، روسیه (با چهار حزب)، سربستان (با دو حزب)، افریقای جنوبی، هسپانیا (با سه حزب)، سریلانکا، سودان، سویدن، سوریه (با دو حزب)، ترکیه (با دو حزب)، اوکراین (با دو حزب)، ایالات متحده آمریکا، ونیزویلا، ویتنام و تعداد محدود دیگری که حیثیت مهمان را داشتند.

این گردهمایی که با شعار «آینده از آن سوسیالیزم است!» تدویر یافت، امکانات صحبت برای همه نماینده ها داده شد و همه احزاب و سازمانهای شرکت کننده دیدگاه های شان را در رابطه با مسایل مشخص در کشورهای شان، در منطقه و در جهان ضمن سخنرانیهای شان ابراز داشتند. برای سخنرانان فقط وقت محدود تعیین شده بود ولی آنچه ارایه می شد در حیطة صلاحیت سخنران گذاشته شده بود و نبایستی از اصل موضوع عدول بیجا صورت می پذیرفت. از همینجاست که تعدادی از سخنرانها مسأله فروپاشی سوسیالیزم را در اتحادشوروی سابق و در عین زمان از دست دادن حقوقی که در نتیجه انکشافات اخیر دستخوش حوادث گردیده، به تفسیر گرفتند و تعدادی هم در زمینه بحران و تأثیرات آن بالای روند مبارزه در کشورهای شان سخن گفتند.

ولی بالاخص رفقا از کشورهای امریکای لاتین، شمال افریقا و شرق میانه و نزدیک تصویرگویایی از مبارزات شان ارایه داشتند. به طور نمونه می توان ذکر کرد که رفیقی از حزب کمونیست برازیل اظهار داشت که آرمانهای سال ۱۹۱۷ هنوز هم زنده و با اهمیت است، ولی پروسه های انقلابی باید از نو تدوین گردند. موصوف با مثال زدن کشورهای چین، کوبا، کوریای شمالی و ویتنام اصرار ورزید که هر یک از کشورها باید راه خودی را به سوی سوسیالیزم بپیمایند، وی تأکید کرد که ساختار سوسیالیزم را نمیتوان کاپی کرد، بل رشد آن رابطه دارد به درجه پخته گی جنبشهای مردمی در هر یک از کشورها.

رفیق برازیلی به طور مشخص روی خصلت دموکراتیک جنبشهای امریکای لاتین اشاره کرد و تأکید ورزید که مبارزه به خاطر تعمیم تغییرات بایستی از طریق مبارزه پارلمانی و غیر پارلمانی همراه با جنبشها و سندیکاها صورت پذیرد.

رفیق دیگری از کشور پیرو با شیوه بسیار احساس برانگیزی در سخنرانی اش خاطر نشان ساخت که در حال حاضر موضوع روی آن نمیچرخد تا سوسیالیزم را پیاده کرد، بل تحقق خواسته ها و حقوق اجتماعی و دموکراتیک مردم درگام نخست تعیین کننده اند. موصوف توضیح کرد که ساده به نظر نمیرسد تا در پارلمانها عضویت حاصل کرد و در صورت عضویت هم بعید به نظر می رسد تا تغییرات مثبتی را وسیله شد. وی اضافه کرد که در حال حاضر مهم این نیست تا ما به توضیح مواضع و طرز تفکر احزاب کمونیست پردازیم، بل با اهمیت اینست که در مناظره های اجتماعی با جنبشهای مختلفه کشور، جامعه را دگر گونه سازیم و طوریکه موصوف تأکید کرد، فقط از این طریق می تواند راهگشایی به سوی سوسیالیزم پیروزمند باشد.

اگر قرار باشد که به سوال مربوط به آینده سوسیالیستی جواب ارایه کرد، بایستی مشخص ساخت که کدام تجارب تاریخی در هریک از کشورها وجود داشته است. در خلال مباحثات، احزاب اروپایی در جریان جلسات و هم در صحبتهای تک فردی برون از جلسات طبیعتاً سوال

همکاری در داخل کشورها و همچنان میان کشورهای مختلفه نقش بزرگی داشت. در این میان روشن گردید که تعدادی از احزابی که دوران فاشیسم را پشت سر گذاشته اند، مجبورند در کشورهای شان سمتگیری همکاری با سندیکاها و جنبشهای غیر پارلمانی را تقویت بخشند.

همچنان در زمینه همکاری احزاب مختلفه اروپایی تبادل نظر صورت پذیرفت. به خصوص رفقای کشورهای بینیلوکس (شامل کشورهای بلجیم، هالند و لوکزامبورگ) به مشوره های ائتلاف چهارحزبی و نتایج مثبت ناشی از آن اشاره کردند که خود در این ائتلاف شامل هستند. آنها گفتند که باید این همکاری گسترش یابد و امکانات همکاریهای دیگری نیز سراغ گردد. از حزب چپ اروپایی فقط در صحبت افتتاحیه رفیق الیکا پاپاریگا و در تعداد محدودی از بیانیه ها یاد آوری شد ولی تذکر رفت که حزب چپ اروپایی یکی از نهادهایی است که احزاب چپ و کمونیست می توانند در کنار نهاد خودی با آنها در اکسیونها و عملکردها همکار باشند.

آنچه گفته آمدیم چنین بر می آید که در آینده گردهماییهای مختلفه اروپایی وجهانی برگزار گردند. در واقعیت هم وضع از این قرار است، زیرا در عصری که ما زنده گی می کنیم دیده میشود که انسانها، کتله هایی از مردم و همچنان احزاب با هم متحد می شوند تا بتوانند گامی به سوی تحولات اجتماعی و دموکراتیک بردارند. نمونه های گویای این مبارزات از یونان، اسپانیا، پرتغال، آیرلند و در این اواخر روسیه و همچنان بسیاری از کشورهای دیگر نیز به نحوه خوبتری انعکاس می یابند. البته این وضع نبایست تنها از طریق انعکاس در رسانه ها مورد ارزیابی قرارگیرد، بل آموزش از این مبارزات، محدود ساختن زمینه های رو به گسترش بحران در رابطه با زنده گی مردم، تحقیق در مورد تجارب به دست آمده و حتی در صورت امکان زمینه های استفاده همه گانی از آنها میتواند مطرح گردد.

آموزش از تجارب گذشته و رخدادهای کنونی همه وهمه به نفع رهروان راه انسانیت و نجات انسان زحمتکش است! رفتن به سوی همکاریها می تواند نوید خوبی را برای مبارزان راه آزادی و دموکراسی واقعی مردمی به بار آورد.